

توقف در ایستگاه دولت سازی

۱۳۹۷



بررسی چالش‌های پیش روی
تمدن‌سازی اسلامی
در مرحله‌ی ساخت دولت اسلامی



من می خواهم خواهشی از مردم بکنم و آن این است: کسانی که وقت‌های ضایع‌شونده‌ای دارند؛ مثلاً به اتوبوس یا تاکسی سوار می‌شوند، یا سوار وسیله‌ی نقلیه‌ی خودشان هستند و دیگری ماشین را می‌رانند، یا در جاهایی مثل مطب پزشک در حال انتظار به سر می‌برند و به هر حال اوقاتی را در حال انتظار به بی‌کاری می‌گذرانند، در تمام این ساعات، کتاب بخوانند. کتاب در کیف یا جیب خود داشته باشند و در اتوبوس که نشستند، کتاب را باز کنند و بخوانند. وقتی هم به مقصد رسیدند، نشانه‌ای لای کتاب بگذارند و باز در فرصت یا فرصتهای بعدی آن را باز کنند و از همان جا بخوانند. بنده خودم چند جلد قطور از یک عنوان کتاب را در اتوبوس خواندم!

۲۲/۰۲/۱۳۷۵

عین‌الم



تهیه شده در:
مدرسه مجازی رویش اندیشه

تعداد کلمات :

۲۱۷۸

زمان تقریبی مطالعه :

۷ دقیقه

استاندارد مطالعه معمولی:

۲۸۳ کلمه در دقیقه

”
کپسول مطالعاتی قالبی
نویسن برای ارائه محتوای
فکری به افرادی است که
دوست دارند در کمتر از
۱۵ دقیقه، اطلاعات دسته
اولی را نسبت به یک
موضوع کسب کنند. در
تاکسی، اتوبوس و مترو
فقط کافی است چند
دقیقه کپسول های ما را
مصرف کنید!!!“



از نظر رهبر انقلاب، «برای ایجاد یک تمدن اسلامی (مانند هر تمدن دیگر)، دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان.» و تشکیل دولت اسلامی به‌عنوان یکی از حلقات تشکیل تمدن اسلامی نیز از همین قاعده پیروی می‌کند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست

- یک آرمان و هدف عالی..... ۶
- چیستی دولت اسلامی..... ۱۵
- موانع تشکیل دولت اسلامی کدام
ند؟..... ۲۰
- پی‌نوشت‌ها..... ۲۸

یک آرمان و هدف عالی

تشکیل امت واحده‌ی اسلامی و تمدن نوین اسلامی را به‌عنوان یک آرمان و هدف عالی می‌توان از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در کلام و سخنان رهبران انقلاب اسلامی مشاهده نمود؛ تا جایی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، درباره‌ی اهداف تشکیل حکومت اسلامی صراحتاً از «تشکیل جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی» و «تشکیل امت واحده‌ی جهانی» نام برده شده است: «ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود، از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت و اکنون بر آن است که با موازین اسلامی، جامعه‌ی

نمونه‌ی (اسوه) خود را بنا کند... قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران، که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه‌ی تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی، می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند.» [۱]

از نظر رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است: «خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. البته اینکه در مقابل تمدن کنونی بشر

(یعنی تمدن مادی غرب) می‌تواند تمدن دیگری مطرح شود یا نه و این تمدن برای پیدایش خود و سپس برای ماندگاری و استواری خود، از چه عناصر و از چه عواملی کمک خواهد گرفت، در این باره سخن‌ها هست.» [۲]

به اعتقاد ایشان، این هدفی است که از همان ابتدای انقلاب مورد نظر بوده است: «هدف انقلاب عبارت بود از ساختن یک ایرانی با این خصوصیات که عرض می‌کنم: مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره‌مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه‌ی جامعه‌ی عظیم بشری در علم و بقیه‌ی دستاوردها،

برخوردار از آزادی با همه‌ی معانی آزادی... مسئله فقط ایران هم نبود. ایران به‌عنوان یک الگو برای جوامع اسلامی در درجه‌ی اول و همه‌ی جوامع بشری در درجه‌ی بعد، مورد نظر بود. ما می‌خواستیم این جامعه را با این خصوصیات بسازیم (ما یعنی ملت ایران، انقلاب ایران، انقلابیون ایران. منظور، شخص بنده و چند نفر دیگر نیست) و آن را بگذاریم جلوی چشم آحاد بشر و امت اسلامی، بگویند این است که هم مطلوب اسلام است، و هم میسر مردم این روزگار است.» [۳]

در حقیقت، از نقطه نظر فلسفه‌ی تاریخی، انقلاب اسلامی مأموریت تاریخی خود را تأسیس این تمدن نوین می‌داند و این

تمدن نوین اسلامی است که زمینه ساز ظهور حضرت حجت ابن الحسن (عج) خواهد بود: «بی شک تمدن اسلامی می تواند وارد میدان شود و با همان شیوه های که تمدن های بزرگ تاریخ توانسته اند وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه ای را (بزرگ یا کوچک) تصرف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرایند پیچیده و طولانی و پُرکار را بیمایند و به آن نقطه برسد. البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد.» [۴]



اما مسئله‌ی اصلی این است که تحقق این تمدن چگونه و براساس کدام نقشه‌ی راه خواهد بود؟ پاسخ این سؤال همان مفهومی است که سال‌ها پیش توسط رهبرانقلاب به‌عنوان «زنجیره‌ی پنج‌گانه‌ی تحقق اهداف اسلامی» از آن یاد شده است: «یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد. پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است. این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است.» [۵]

هریک از مراحل این زنجیره در حکم



مقدمه و زمینه‌ساز برای حلقه‌ی بعدی است. البته این بدان معنی نیست که ورود به حلقه‌ی بعدی مستلزم تکمیل حلقه‌ی پیشین باشد. برای مثال، با وجود فاصله‌ی جدی ما با تحقق مرحله‌ی دولت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی، اما همین میزان توفیقات ایران اسلامی تاکنون، الگوسازی جدی ملت ایران برای مسلمانان و بیداری عظیم اسلامی را در پی داشته که نویدبخش تولد دوباره‌ی تمدن اسلامی است.

از نظر رهبر انقلاب، ما هم‌اکنون در مرحله‌ی دولت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی قرار داریم. منظور از دولت در



این تبیین عبارت است از: «مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند، نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور.» جامعه‌ی اسلامی نیز یعنی «جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقش‌اند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه (پیشرفت علمی،



پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی) و بالأخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم. این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم.»

چیستی دولت اسلامی

رهبر انقلاب از دو جهت دولت اسلامی را مورد بررسی و توصیف قرار داده‌اند. در آغازین سال‌های طرح مفهوم مراحل پنج‌گانه، معمولاً مفهوم دولت اسلامی از وجه منابع و نیروی انسانی آن مورد تأکید و توصیف ایشان قرار گرفته است: «بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به



تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان به‌گونه‌ی اسلامی، چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست، به‌تدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی (اگر هستند) سرکار بیایند یا اگر ناقص‌اند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله‌ی سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود... اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای



واقعی کلمه اسلامی خواهد شد.» [۶]

«قدم بعدی، ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیئت وزیران؛ یعنی مجموعه‌ی کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل‌تر از مراحل قبلی است. ما مسئولان باید خود را بسازیم، مرتب با خود کلنجار برویم، یکدیگر را به حق وصیت کنیم، یکدیگر را ارشاد کنیم، مثل آینه‌ای در مقابل یکدیگر، عیوبمان را صادقانه به هم نشان دهیم، بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روزبه‌روز بهتر کنیم.» [۷]

اما در تعاریف متأخر ایشان، وجه



ساختاری و نظام‌گونه‌ی دولت اسلامی مورد تأکید بیشتر قرار گرفته است: «دولت اسلامی یعنی سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد آن جامعه‌ی اسلامی» [۸] این نکته زمانی جالب‌تر می‌شود که به یاد آوریم از ابتدای دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی، مطالبه‌ی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از محوری‌ترین مطالبات ایشان بوده است و می‌توان آن را نقشه‌ی راه دولت اسلامی دانست. این تلقی از تشکیل دولت اسلامی از آن جهت مهم است که ساختارها و روش‌ها در حقیقت روابطی هستند که کارگزاران درون آن روابط با یکدیگر در تعامل بوده و عمل می‌کنند و اگر حالتی را تصور کنیم که در آن حالت، کارگزاران دارای ویژگی‌های اسلامی بوده،



اما روش‌ها و ساختارها برآمده از الگوهای سکولار باشند، عملاً این اقتضائات روابط و الگوهای سکولار است که خود را بر آرمان‌ها و مطلوبیت‌های نیروهای اسلام‌گرا تحمیل می‌کند و آنان را در چارچوب‌های تحمیلی خود محدود می‌سازد. در این صورت، عملاً نهادها و ساختارهای نظام با نوعی تضاد درونی و دائمی بین نیروهای اسلام‌گرا و الگوهای سکولار مواجه خواهد بود؛ تضادی که یا به سرخوردگی، استحاله و یا حذف نیروهای اسلام‌گرا منجر خواهد شد و یا به تغییر روابط و الگوهای نظامات و نهادهای اداره‌ی نظام توسط نیروهای اسلام‌گرا و تحول خواه.



موانع تشکیل دولت اسلامی کدام‌اند؟

از نظر رهبر انقلاب، «برای ایجاد یک تمدن اسلامی (مانند هر تمدن دیگر)، دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان.» [۹] و تشکیل دولت اسلامی به‌عنوان یکی از حلقات تشکیل تمدن اسلامی نیز از همین قاعده پیروی می‌کند. این تلقی را ایشان به بیانی دیگر، تحت عنوان «واژه‌سازی و نهادسازی» مطرح نموده‌اند: «یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که براساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی واژه‌سازی بشود، هم بایستی نهادسازی بشود... وقتی یک



انقلاب و یک حرکت تحقق پیدا می‌کند، بایستی دستگاه‌های مجری خود را (آن مجموعه‌هایی که آن هدف‌ها را باید دنبال کنند) به وجود بیاورد. یکی از کارها این است که دستگاه‌های موجود جامعه را متحول کند. یکی دیگر این است که دستگاه متناسب با خواست خود را به وجود بیاورد. هر دو سخت است. هر دو جزء کارهای دشوار است.» [۱۰]

بنابراین باید مطالباتی همچون الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، نهضت نرم‌افزاری و تحول و ارتقای علوم انسانی را که سال‌هاست مورد اهتمام و پیگیری رهبری هستند، در راستای عنصر اول، یعنی تولید فکر دانست و مطالباتی



همچون تحول بنیادین نظام آموزشی، تحول حوزه‌های علمیه، اسلامی شدن دانشگاه‌ها، نخبه‌پروری، مهندسی فرهنگی و پیوست‌نگاری فرهنگی را در راستای عنصر تربیت نیروی انسانی لازم برای تشکیل دولت اسلامی برشمرد. لذا بدیهی است که مهم‌ترین مانع بر سر راه تشکیل دولت اسلامی را معطل ماندن یا بر زمین ماندن هریک از مطالبات فوق بدانیم.

با کنکاش بیشتر در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی دولت اسلامی، به مفهومی دیگر برخورد می‌کنیم که در کنار تولید فکر و تربیت نیروی انسانی، تسهیل‌کننده و پیش‌برنده‌ی پروژه‌ی تشکیل دولت اسلامی است. از نظر رهبر انقلاب، «گفتمان‌سازی



شرط اصلی تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است.» [۱۱] اگر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را نقشه‌ی کلان دولت اسلامی بدانیم، بنابراین تمامی توصیه‌ها و تحلیل‌های رهبر انقلاب درباره آن را باید به‌مثابه‌ی ترسیم چگونگی تشکیل دولت اسلامی دانست. لذا گفتمان‌سازی را می‌توان به اندازه‌ی دو عنصر دیگر و در کنار آن‌ها، مهم دانست.

اکنون پاسخ به این سؤال که چرا دولت اسلامی هنوز در کشور ما شکل نگرفته، آسان است. اول اینکه هنوز به اندازه‌ی کافی آن تولید فکر و نظریه‌پردازی صورت نگرفته است. ما هنوز به‌خوبی نمی‌دانیم که مرادمان از دولت اسلامی چیست؟ درباره‌ی



سازوکارهای اقتصادی آن هنوز در ابتدای راهیم. هنوز به این جمع‌بندی نرسیده‌ایم که آیا بانک در نظام اقتصادی دولت اسلامی جایی دارد یا نه؟ هنوز درباره‌ی الگوهای سیاست خارجی دولت اسلامی با ابهامات و خلأهای جدی نظری مواجهیم! هنوز در میان نخبگانمان به این جمع‌بندی نرسیده‌ایم که بالأخره مهندسی فرهنگی چیز خوبی است یا نه؟ هنوز قوانینی در این کشور معتبر است که در زمان تصویب‌شان در دوره‌ی رضاشاه و محمدرضاشاه، دیکته‌شده از سوی مستشاران و عناصر خارجی و در راستای تأمین منافع بیگانگان بوده‌اند و بسیاری از علما را به واکنش واداشته‌اند! مانند قانون ممنوعیت خرید و فروش اشیای عتیقه و یا قانون ملی شدن اراضی و مراتع که از



زمان انقلاب سفید محمدرضا تاکنون وجود داشته و باعث شکل‌گیری بسیاری از مفاسد اقتصادی و زمین‌خواری‌هاست!

دوم اینکه هنوز در تربیت مدیران تراز انقلاب اسلامی و همچنین استانداردسازی شرایط و پیش‌نیازهای لازم برای تصدی پست‌های مدیریتی در نظام اسلامی، حرکت درخوری صورت نگرفته است. متأسفانه جمهوری اسلامی حتی هنوز فاقد یک سامانه و نظام ارزیابی عملکرد قوی و کارآمد درباره‌ی مدیران است؛ سامانه‌ای که با تشکیل یک نظام رصد و تحلیل عملکرد تک‌تک مدیران، در یک چرخه‌ی زمانی، مدیران نالایق و ضعیف را از چرخه حذف و مدیران مستعد و قوی را تقویت نماید.



حال تلاش نظام‌مند و سازمان‌یافته برای تربیت مدیران که جای خود دارد.

سومین مانع جدی نیز تبدیل نشدن شعار دولت اسلامی به یک گفتمان جدی، عمیق و فراگیر است که فارغ از شعارزدگی‌های سیاسی و تبلیغاتی، بتواند انگیزه‌ها، افکار و نیروهای اجتماعی را در راستای این هدف مقدس بسیج نماید. لازمه‌ی این امر، تبیین و ترویج مفهوم دولت اسلامی و مزیت‌های آن نسبت به مدل‌ها و الگوهای غربی از یک طرف و نقد و تحلیل الگوهای اداره‌ی غربی از سوی دیگر است. به هر میزان که در گفتمان‌سازی دولت اسلامی موفق باشیم، راه برای نظریه‌پردازی و تربیت نسل انقلابی و کارآمد و متخصص



برای تصدی مسئولیت‌های نظام اسلامی
فراهم و تولد تمدن نوین اسلامی روزبه‌روز
نزدیک‌تر خواهد شد.



پی‌نوشت‌ها

[۱]. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

[۲]. بیانات در مدرسه فیضیه، ۱۴ مهر ۱۳۷۹.

[۳]. بیانات در دانشگاه شیراز، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۷.

[۴]. بیانات در مدرسه فیضیه، ۱۴ مهر ۱۳۷۹.

[۵]. بیانات در جمع دانشجویان کرمانشاه، ۲۴ مهر ۱۳۹۰.

[۶]. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۲ آذر ۱۳۷۹.

[۷]. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۲۱ آذر ۱۳۸۰.

[۸]. بیانات در جمع دانشجویان کرمانشاه،



۲۴ مهر ۱۳۹۰.

[۹]. بیانات در مدرسه فیضیه، ۱۴ مهر ۱۳۷۹.

[۱۰]. بیانات در دیدار بسیجیان کرمانشاه،

۲۲ مهر ۱۳۹۰.

[۱۱]. بیانات در دیدار اعضای شورای

عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی-ایرانی

پیشرفت با رهبر انقلاب، ۱۴ اسفند ۱۳۹۱.





با ما همراه باشید ...
مدرسه مجازی رویش اندیشه

 @rouyesh_andishe